The Role of Alienation, Gender Discrimination, and Stigma in excluding Women Prisoners from Interpersonal Interactions

Mahnaz Farahmand*: Associate professor, department of sociology, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran. farahmandm@yazd.ac.ir

Seyed Reza Javadian: Assistant professor, department of social work, faculty of social sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Shokoofeh Jalili Pirani: Master of social work, Yazd University, Yazd, Iran.

Abstract

Introduction: The lived experience in prison is a situation that places women at greater risk of social exclusion more than any other social experience and imposes particular dimensions of social, cultural, and family deprivation. Thus, the current research tries to assess the effect of sociocultural factors on the social exclusion of women prisoners.

Methods: The method used in this study is survey-correlation research. The statistical society of this research is the female prisoners of Yazd and Shiraz cities. Due to the limited number of women prisoners who have been imprisoned more than once, a total of hundred eighteen prisoners were studied in Yazd and Shiraz.

Results: The findings showed that there is a significant relationship between social exclusion of women prisoners and stigma, alienation, and gender discrimination.($P < 0.05$) The regression results also supported the significant effect between stigma and social exclusion of women prisoners and twenty-seven and seven-tenths of the variance of the rate of social exclusion of women prisoners is explained by the stigma variable.

Conclusions: Women prisoners who do not follow the norms of society are more alienated, face more gender discrimination, suffer more stigma. Therfore meet more exclusion from family, relatives, and friends. They face more obstacles and limitations for their emotional and material needs, presence in society.

Keywords

Alienation

Gender Discrimination

Stigma

Women Prisoners

Social Exclusion

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 17 Aug 2020
Accepted: 09 Feb 2022

Please cite this article as follows: Farahmand M, Javadian S, and Jalili Pirani S. The role of alienation, gender discrimination, and stigma in excluding women prisoners from interpersonal interactions. Quarterly Journal of Social Work. 2022; 10 (4); 57-66

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

نقش ازخودبیگانگی، تبعیض جنسیتی و داغ انگ در طرد زنان زندانی از تعاملات بین‌فردی

مهناز فرهمند*: دانشیار، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. farahmandm@yazd.ac.ir
سیدرضا جوادیان: استادیار، گروه مددکاری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
شکوفه جلیلی پیرانی: کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

واژگان کلیدی

ازخودبیگانگی

تبعیض جنسیتی

داغ انگ

زنان زندانی

طرد اجتماعی

چکیده

مقدمه: تجربه زیسته زندان، موقعیتی است که زنان را بیش از هر تجربه اجتماعی دیگری، در معرض طرد قرار می‌دهد، و ابعادی از محرومیت‌های عاطفی، تعاملی و خانوادگی را بر آنان تحمیل می‌کند. بر همین مبنا، پژوهش حاضر، به بررسی نقش برخی از عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با طرد زنان زندانی پرداخته است.

روش: روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع پیمایشی-همبستگی است. جامعه‌آماری این تحقیق، زنان زندانی شهر یزد و شیراز است که به‌دلیل محدود بودن تعداد زنان زندانی که سابقه بیش از یکبار حبس داشته‌اند، به‌صورت تمام‌شماری با تعداد صد و هجده نفر زندانی در دو شهر یزد و شیراز مورد بررسی قرارگرفتند.

نتایج: یافته‌های تحقیق نشان داد که بین طرد زنان زندانی و داغ انگ، ازخودبیگانگی، تبعیض جنسیتی رابطه معنی‌دار وجود دارد. $p<0/05$

تایج رگرسیون نیز از تاثیر معنی‌دار بین داغ انگ و طرد اجتماعی زنان زندانی حمایت کرد و بیست و هفت و هفت دهم درصد از واریانس میزان طرد اجتماعی زنان زندانی با متغیر داغ انگ تبیین شد.

بحث و نتیجه‌گیری: زنانی که از عرف جامعه پیروی نمی‌کنند و دچار جرم می‌شوند، از ازخودبیگانگی بیشتری برخوردارند، با تبعیض‌های جنسیتی بیشتری مواجه می‌شوند، از داغ انگ و برچسب رنج می‌برند. درنتیجه، با طرد بیشتری از سوی خانواده، خویشاوندان و اطرافیان روبرو شده و در رفع نیازهای عاطفی، مادی، حضور در جامعه با موانع و محدودیت‌های بسیاری مواجه می‌شوند.

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/ ۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

نحوه استناد به مقاله: مهناز فرهمند، سیدرضا جوادیان و شکوفه جلیلی پیرانی. نقش ازخودبیگانگی، تبعیض جنسیتی و داغ انگ در طرد زنان زندانی از تعاملات بین‌فردی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۰؛ ۱۰ (۴): ۶۶-۵۷

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

مقدمه

زنان، حدود نیمی از جامعه انسانی را تشکیل داده و گروهی آسیب‌پذیر و حساس هستند. در دهه‌های گذشته شواهدی از افزایش مشارکت زنان در رفتارهای انحرافی به‌دست آمده است. آدلر و اسمارت رشد فزاینده جرم زنان را به افزایش آزادی‌ها، تضعیف کنترل‌های اجتماعی، و مشارکت فزاینده آن‌ها در بازار کار مربوط دانسته‌اند. به باور دو صاحب‌نظر، آزادی زنان به‌منظور توسعه توانمندی‌ها در راستای تحقق اهداف زندگیشان، آنان را به‌طور هم‌زمان در معرض ناکامی‌ها و فشار زندگی قرار داده است؛ درحالی‌که درگذشته چنین مشکلاتی را عمدتا مردان تجربه می‌کردند.[۱] بر اساس گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات زنان، ایران در میان صد و نود و هفت کشور جهان از لحاظ فراوانی زنان زندانی، رتبه هشتاد و یک را دارا است.[۲] درعین‌حال، بر اساس گزارش نیروی انتظامی تعداد محکومان زن از سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۶۰، چهار برابر شده است.[۳] اگرچه سهم زنان در ارتکاب جرم افزایش یافته است، ولی هنوز میزان جرم زنان کمتر از پانزده درصد میزان کل جرم‌هاست.[٤] این اصل در تمام کشورهای دنیا و ازجمله در ایران صادق است.

در ایران نیز زنان تنها چهار و چهل و هشت صدم درصد زندانیان را تشکیل می‌دهند.[٥] آمار و گزارش‌های منتشرشده، حاکی از این است که جرم مرتبط با قاچاق مواد مخدر بیشترین میزان جرم‌ها در میان زنان و مردان کشور را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که بر اساس اعلام سازمان زندان‌های کشور در سال ۱۳۹۳، زنان بیست و شش درصد از مصرف‌کنندگان مخدرهای صنعتی را تشکیل می‌دهند و آمار دختران و زنان زندانی به جرم قاچاق، مصرف، و توزیع و فروش مواد مخدر از مردان پیشی گرفته است. بر پایه همین گزارش، آمار مجرمان زن در زمینه قاچاق مواد مخدر پنجاه و چهار درصد است؛ در حالی‌که در بین مردان این آمار در مقایسه با کل جرم‌های مردان حداکثر چهل و سه درصد است.[۱]

زندانی شدن زنان، به سبب شکستن هنجارها و عرف جامعه، موجب گسسته شدن آنان از شبکه‌های نیرومند خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی و قومی می‌شود که درنهایت، طرد را برای آنان رقم می‌زند. طرد، درواقع، نوعی رانده شدن است و زنان زندانی مطرود، به‌منزله افراد حاشیه‌ای، از مشارکت کامل در اجتماعات خرد و کلان ناتوان می‌شوند. نتایج تحقیقات ون اولفن و همکاران۲۰۰۹، وروایی و وروایی۱۳۹۵ نشان می‌دهد که زنان در دوران محکومیت و پس از بازگشت به جامعه، به‌عنوان یک مطرود با آن‌ها برخورد می‌شود، از تعاملات عاطفی و اجتماعی طرد می‌شوند، از بازار کار کنار گذاشته می‌شوند و بر اساس رفتارهای گذشته‌شان مورد قضاوت قرار می‌گیرند. برخی دیگر از مطالعات نشان می‌دهد که زندان؛ فرصت‌های مالی، ازدواج، عاطفی و تعاملی زندانیان را تحت شعاع قرار می‌دهد.[٦و٧] نتایج تحقیق ون‌اولفن و همکاران نیز بازگو می‌کند که زندانی شدن، داغ انگ و طرد عوامل مهمی هستند که بر دسترسی به خانواده، خدمات درمانی، بقاء(اشتغال و مسکن) و ادغام مجدد در جامعه بیشترین تاثیر را می‌گذارد.[٦] طبق نتایج داج و پوگربین۲۰۰۱، در پژوهشی کیفی نشان دادند که زنان پس از بازگشت به جامعه، به‌عنوان یک مطرود با آن‌ها برخورد می‌شود، و بر اساس رفتار جنایتکارانه گذشته‌شان مورد قضاوت قرار می‌گیرند.[۸] مسکویید و ارنریچ۱۹۹۸، به این نتیجه رسیدند که، تعداد زنان زندانی در زندان‌های ایالتی و فدرال به سرعت در حال افزایش است. زندان بر عزت نفس زنان، اختلالات شخصیتی و افسردگی، از دست دادن حضانت کودکان و سایر موقعیت‌های آنان تاثیرگذار است.[۹]

به‌زعم روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان، طرد اجتماعی، فرایندی است که درنتیجه آن، گروه‌های اجتماعی و افرادی معین، از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند[۱۰] و عوامل فراوانی در شکلگیری آن تاثیرگذار هستند.[۱۱] برخی پویایی فرآیند طرد را، ناشی از تبعیض‌های اجتماعی، بی‌هویتی یا ازخودبیگانگی بیان می‌کنند،[۱۲] که مرزهای آن در زمان‌های مختلف بسته به تحصیلات، جنسیت، ویژگی‌های جمعیتی، نابرابری‌های اجتماعی، رویه‌های کاری و سیاست‌های عمومی، این‌که چه افرادی در شمول اجتماع قرار می‌گیرند و چه کسانی از آن حذف می‌شوند، ممکن است تفاوت کند.[۱۳] به زعم گیدنز، جنسیت عامل مهم و حساس در ساخت دادن به انواع فرصت‌ها، بخت‌های زندگی و طرد اجتماعی است و مردان و زنان از جهت قدرت، منزلت و ثروت موقعیت‌های نابرابری دارند و تفاوت‌های جنسیتی، شالوده نابرابری‌های اجتماعی مثل مجازات شدیدتر و طرد بیشتر برای زنان است.[١٤] از دیدگاه سن، یکی از عوامل طرد و کنار گذاشتن افراد در محیط‌های مختلف، جنسیت است. جنسیت، جلوه‌ای از سلب آزادی‌ها، توانمندی‌های اساسی و نابرابری‌ها است.[۱۵] به زعم گافمن، انگ به‌عنوان یک فرایند منجر به طرد برخی افراد، به‌گونه‌ای سیستماتیک از نوعی خاص از تعاملات اجتماعی می‌شود.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

به باور او یکی از شـیوه‌های رایج داغ انگ، غیرسازی است. غیرسازی سـازوکاری اجتماعی، زبانی و روان‌شناختی است که ما را از آن‌ها یعنی به‌هنجارهـا را از نابه‌هنجارها متمایز می‌کنـد و بخش مهمی از فرایندی اسـت که به داغ انـگ و طرد می‌انجامـد.[۱۶] از خودبیگانگی، یکی دیگـر از عوامل موثر بر طرد، شـکلی از بی‌توجهـی و فاصله‌گذاری از معیارها و استانداردهای رفتاری اجتماع است. به عقیده دورکیم، حدود خواسـته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از طریق این هنجارها است که شخص می‌تواند تمایلات، خواسته‌ها و خواهش‌های خود را محدود، و در حدی معقول و عملی تنظیم کند؛ اما در شـرایط آنومیـک جامعه که محصول تغییرات اجتماعی اسـت، فرد هنجارها و ضوابطی جهت رفتار خود ندارد؛ دچار از خودبیگانگی می‌شود.[۱۷]

در اهمیت این موضوع همین بس که زندانی شـدن، گونه‌ای سرکوب و طرد اسـت و زنان زندانی، نابرابری قابـل ملاحظه‌ای را در همه ابعاد زندگـی روابط، عواطـف، امکانات و توانایی‌هـای از طیف خانوادگی و خویشـاوندی تا دوسـتان و اطرافیان... تجربه می‌کننـد. طرد زنان از گروه‌هـای مختلف خانوادگی، دوسـتان، خویشـاوندان و غیره باعث می‌شود در ادامه این فرایند، تمام مزایای روان‌شناختی و مادی مربوط به عضویت در شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی، دسترسی به منابع و غیره را از دست بدهند و به سبب نگرش‌های فرهنگـی حاکم بـر جامعه طرد، برچسـب، تبعیـض اجتماعی را بیشـتر تجربه می‌کنند و با محرومیت‌هـای متعـدد و چندگانه مواجه هسـتند. از دیدگاه جامعه‌شناسانه، تبیین علل طرد اجتماعی زنان زندانی و تمهید روش‌هایی برای جلوگیری از این مساله، ضرورتی اساسی دارد. بنابرایـن لازم اسـت، طـی تحقیقاتی تحلیلی-علمی وضعیت زنان زندانی در زندان و پس از آزادی بررسـی گردد. در این تحقیق سعی شـده اسـت با ارزیابی مسـاله‌ها زنان زندانی دو شهر یزد و شیراز با استفاده از روش تحقیق کمی، به این پرسـش پاسخ داده شود کـه طرد زنان زندانـی از تعاملات بین فردی به چه میزان اسـت؟ نقش تبعیض جنسـیتی، ازخودبیگانگـی و داغ انـگ در طرد زنان از تعاملات بین فردی چه میزان است؟

روش

بررسی عوامل طرد اجتماعی زنان زندانی رسالت این پژوهش است، که با مطالعه‌ای کمی انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با توجه به ماهیت موضوع و هدف‌های پژوهش با روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از ابزار پرسشـنامه اسـتفاده شده اسـت. برای تدوین چارچوب نظری و همچنین تحقیقات پیشین از روش اسنادی بهره گرفته شده است. در پژوهش حاضر، زندان‌های شهر یزد و شیراز واحد تحلیل و زندانیان زن سابقه‌دار این دو شهر در اواخر سال ۱۳۹۸، واحد بررسی هستند که پرسشنامه در بین این زندانیان تکمیل شده است. دلیل انتخاب این دو زندان، کمبود نمونه موردنظر در یک زندان، در دسترس بودن، و همکاری مسوولین زندان‌های این دو شهر با محقق است. به‌دلیل محدود بودن تعداد زنان زندانی که سـابقه بیش از یک‌بار حبس داشته‌اند، این تحقیق به‌صورت تمام‌شماری با تعداد صد و هجده نفر در دو زندان یزد و شیراز پنجاه نفر از زندان یزد و شصت و هشت نفر از زندان شیراز انجام شد. درنهایت، صد و هجده پرسشنامه در میان زنان زندانی که بیش از یک‌بار محکومیت داشتند، توزیع و اطلاعات جمع‌آوری شد. برای رعایت اصول اخلاقی پژوهش و برای اطمینان کامل پاسخگویان، از طرح سوال درباره مشخصاتی که هویت فرد را مشخص کند، خودداری شد و جلب همکاری، اعتماد و رضایت پاسخگو، شرط اخلاقی تکمیل پرسشنامه بود.

ملاک‌های ورود و خروج

ورود: شامل داشتن پرونده مجرمانه، سابقه بیش از یک‌بار حبس، زن بودن و تمایل به همکاری برای پر کردن پرسشنامه.
خروج: صرفا سابقه یک‌بار حکم حبس، جنسیت مذکر، نداشتن تمایل به پرکردن پرسشنامه نداشتند.

ابزارهای پژوهش

طـرد اجتماعـی: طـرد اجتماعی فرایندی که در نتیجه آن افراد و گروه‌های اجتماعی معینی از اجتماع، طرد و به حاشـیه رانده می‌شوند.[۱۰] در این پژوهش، طرد اجتماعی در قالب بیست گویه در پنج بعد مالی، عاطفی، تعاملی، موقعیتی، زبانی، در طیف پنج قسـمتی کاملا مخالف تا کاملا موافق مطرح گردید. تحقیق با گویه‌های تامین عاطفی، دریافت کمک مالی، گذراندن وقت با نزدیکان، میزان تماس حضوری، مشورت با خویشاوندان، توجه به نیازهای شخصی فرد، اعتماد در روابط،

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]
DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

کنایه همسایه‌ها، لحن خشونت‌آمیز خانواده، مورد مخاطب گرفتن از جانب دوستان با الفاظ زشت و رکیک، تحقیر شدن، طرد از جمع خویشاوندان، تایید نشدن از جانب همسر، خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان سنجیده شد. سوالات این سازه، توسط محققین، پس از انجام مطالعات نظری ساخته شد. اعتبار صوری این پرسشنامه توسط نظرات اساتید در زمینه منطبق بودن محتوای سوال‌ها با ویژگی‌های مورد انتظار و تصحیح پرسشنامه تایید شد. ایرادهای پرسشنامه از طریق اجرای پرسشنامه در مرحله پیش‌آزمون، از نظر مبهم بودن بعضی گویه‌ها برطرف گردید. آلفای کرونباخ این متغیر در پنج بعد بیشتر از هشتاد صدم بود.

ازخودبیگانگی: ازخودبیگانگی به مفهوم عام آن از نظر جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی به‌گونه‌ای گسترده برای توضیح انفصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی و همچنین جهت اشاره به انفعال، بی‌علاقگی و مشارکت نداشتن اجتماعی-سیاسی و صور آسیب‌شناختی مشارکت مورد استفاده قرار می‌گیرد.[۱۷] در این پژوهش، بیگانگی در قالب بیست و شش گویه در طیف پنج قسمتی کاملا مخالف تا کاملا موافق مطرح گردید که شامل گویه‌هایی ازجمله: تسلط نداشتن بر مسیر زندگی، ناتوانی در برخورد با مشکلات، اعتقاد به تقدیر، مشارکت نداشتن، ناتوانی در اصلاح ساختار جامعه، رعایت قوانین به‌دلیل ترس از مجازات، بی‌توجهی به نتایج و پیامدهای اعمال و واکنش‌ها، استفاده از هر راهی برای رسیدن به هدف، نبود قواعد معینی برای زندگی، مبهم بودن آینده شغلی، بدبین بودن به آینده جامعه، بی‌مفهومی و بی‌معنایی دنیا، لذت بردن از همنشینی با دوستان، لذت بردن از تنهایی، نداشتن دلخوشی در زندگی، ناتوانی در مطرح کردن مشکلات با دیگران، تنفر از شرایط زندگی، احساس عقب بودن از دیگران، احساس پوچی، انجام کارهای بیهوده، لذت‌بخش بودن کارهای فرهنگی، علاقه به ارزش‌های فرهنگی جامعه، بیزاری از فعالیت‌های فرهنگی و علمی و ایجاد محدودیت از طریق ارزش‌های جامعه است. گویه‌های سازه خودبیگانگی بر مبنای شش بعد نظریه ملوین تامین و استناد به گویه‌های تحقیقات پیشین[۱۱و۱۷] تغییر و تکمیل آن‌ها تنظیم شد. برای انتخاب بهترین گویه‌ها، از نظرات اساتید استفاده شد. اعتبار این گویه‌ها از نوع صوری است. آلفای کرونباخ این متغیر نیز در تمامی ابعاد بالاتر از هشتاد صدم است.

داغ انگ: برچسب‌زنی، انتساب صفاتی تحقیرآمیز است که گروه‌های اجتماعی غیررسمی و متولیان رسمی کنترل اجتماعی، در واکنش به نقض هنجارهای مورد اجماع خود که اغلب قراردادی و متغیر هستند، به فرد ناقض می‌دهند.[۱۸] این متغیر، در قالب هفت گویه در طیف پنج قسمتی کاملا مخالف تا کاملا موافق مطرح گردید. در این تحقیق از گویه‌های تحقیق زاهد، خیری‌خامنه ۱۳۹۰ استفاده و با اعمال تغییراتی در آن‌ها به‌کار برده شد.[۱۹] ایرادهای پرسشنامه، از طریق اجرای پرسشنامه در مرحله پیش‌آزمون، از نظر مبهم بودن بعضی گویه‌ها برطرف گردید. آلفای کرونباخ این متغیر در پنج بعد، بیشتر از هشتاد و نه صدم است. در معرض تهمت قرارگرفتن، بی‌اعتمادی برای دادن مسوولیت شغلی، افزایش دید منفی دیگران، نگاه دیگران به چشم یک گناهکار، تلقی نشدن به‌عنوان انسانی لایق، برداشت بد مردم و شکاکیت شاخص‌های آن بود.

تبعیض جنسیتی: تبعیض جنسیتی، نوعی تمایز جنسیتی در اجتماعی‌شدن است؛ به‌عبارت‌دیگر، تبعیض جنسیتی، نگرش‌های تمایزآمیز و نابرابر عوامل اجتماعی‌کننده، در تربیت دختران و پسران است که در این میان، این تمایز به‌نوعی به ضرر دختران و به نفع پسران است.[۱۹] برای سنجش متغیر تبعیض جنسیتی، از پرسشنامه پورطاهری و پوروردی۱۳۸۸ با برخی تغییرات استفاده شده است که شامل هفت گویه است.[۲۱] متغیر در قالب هفت گویه در طیف پنج قسمتی کاملا مخالف تا کاملا موافق شامل: تبعیض در قوانین و حقوق زنان، محدودیت شرکت در محافل سیاسی، ناممکن بودن داشتن شغل، مفیدتر و موثرتر واقع شدن مردان در جامعه، بهره‌مند نشدن از امکانات و فرصت‌های لازم در خانواده و جامعه، زنان زندانی در مقایسه با مردان زندانی، از دست دادن آزادی در جامعه و بیشتر بودن فشارهای ناشی از زندانی شدن برای زنان، مطرح گردید. آلفای کرونباخ این متغیر هفتاد و هشت صدم است.

برای آزمودن فرضیه‌ها، ابتدا داده‌ها از این نظر که آیا نرمال هستند یا خیر، مورد بررسی قرار گرفتند. برای آزمودن نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف نشان داد که سطح معناداری تمامی متغیرها از جمله طرد

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

اجتماعـی، ترس از ارزیابی منفی، برچسـب منفی، تبعیض جنسـیتی، ازخودبیگانگی از پنج صدم بیشـتر اسـت. بنابراین، فرض صفر پذیرفته و فـرض مقابل رد شـد و نرمال بـودن داده‌ها مورد تاییـد قرارگرفت. داده‌های پژوهش با نرم افزارSPSS20 و شاخص‌های آماری توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

بر مبنای داده‌های تحقیق، شصت وشش و نه دهم درصد در گروه سنی بیست تا سی و هفت سال؛ بیست و هشت درصد در گروه سـنی سـی و هفت تا پنجاه و چهار سـال و سـه و یک دهم درصد در گروه سـنی پنجاه و چهار تا هفتاد و یک قرارگرفته‌اند. به لحاظ وضعیت تحصیلات، از بین زنان زندانی چهل و چهار و یک دهم درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم هسـتند وکمترین درصد یک و هفت دهم درصد، فوق‌لیسـانس و بالاتر هسـتند. بیست و سه و هفت دهم درصد بی‌سواد، بیسـت و چهار و شـش دهم درصد دارای مدرک دیپلم و پنج و نه دهم درصد دارای مدرک فوق‌دیپلم و لیسـانس هستند. محل سـکونت خانواده چهل و شـش و شـش دهم درصد در محلات متوسط شـهر، چهل و چهار و یک دهم درصد در پایین شهر و نه و سه دهم درصد در بالا شهر سکونت دارند. از بین خانواده‌های پاسخگویان شصت و هفت و هشت دهم درصد در منزل رهن و اجاره‌ای، یک و هفت دهم درصد در منزل سـازمانی و سـی و پنج دهم درصد در منزل شخصی یا پدری سـکونت دارند. از نظر تعداد دفعات حبس، دو بار حبس هفتاد و یک و دو دهم درصد، سـه بار حبس شانزده و نه دهم درصد، چهاربار حبس پنج و یک دهم درصد و بیش از چهاربار حبس شش و هشت دهم درصد، در میان پاسخگویان مشاهده شد. از نظر مدت حبس، از بین پاسخگویان هفتاد و یک و دو دهم درصد بین یک تا چهار سال حبس، بیست و دو و هشـت درصد بیش از چهار سـال حبس کشیده‌اند. از بین پاسخگویان، حدود پنجاه و هفت و شش دهم درصد یعنی شـصت و هشت نفر از زنان به جرم مواد مخدر زندانی شده‌اند که بیشترین درصد را شامل می‌شود. کمترین درصد به جرم درگیری اختصاص دارد که هشـت دهم درصد را شامل می‌شـود. هفده و هشت دهم درصد به جرم سرقت، ده و دو دهم درصد به جرم قتل، شش و هشت دهم درصد به جرم روابط نامشروع، یک و هفت دهم درصد به جرم سیاسی، پنج و یک دهم درصد به جرم مالی اختصاص دارد.

میانگین شاخص کلی طرد اجتماعی،شصت و یک و هفتاد و دو صدم که بیش از حد متوسط است و کمترین و بیشترین مقدار بین بیست و نه و هشتاد و دو است. میانگین طرد اجتماعی در ابعاد مالی، تعاملی، زبانی، موقعیتی بیشتر از حد متوسط است و در بین ابعاد طرد اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به بعد طرد تعاملی چهارده و شصت و یک صدم و زبانی سیزده و هجده صدم و همچنین کمترین میانگین مربوط به بعد طرد مالی یازده و ده صدم و عاطفی ده و هفتاد و شش صدم است. فرضیه اول بین تحصیلات با طرد اجتماعی زنان زندانی رابطه وجود دارد. جدول شماره دو همبستگی طرد اجتماعی با تحصیلات را با آزمون اسپیرمن نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری آزمون اسپیرمن چهار درصد حکایت از وجود همبستگی معنی‌دار بین متغیر تحصیلات و طرد اجتماعی زنان زندانی دارد و بنابر سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده، وجود همبستگی بین دو متغیر تایید می‌شود. فرضیه شماه دو بین طرد اجتماعی زنان زندانی برحسب نوع جرم تفاوت معناداری وجود دارد. در جدول شماره سه به‌منظور مقایسه میانگین نوع جرم و طرد اجتماعی زنان زندانی، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است. نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که مقدار f=۲/٤٦ و سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده دو و هشت دههم درصد کمتر از پنج درصد است و نشان‌دهنده تفاوت بین گروه‌ها است. بنابراین، مطابق یافته‌های پژوهش، فرض تفاوت بین طرد اجتماعی زنان زندانی برحسب نوع جرم تایید شده است. همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهد، بیشترین میزان طرد در جرم‌های درگیری، قتل و مواد مخدر مشاهده می‌شود. فرضیه شماه سه بین ازخودبیگانگی، داغ انگ، و تبعیض جنسیتی زنان مجرم با طرد اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. سطح معنی‌داری آزمون پیرسـون در جدول شماره چهار حکایت از همبستگی معنی‌دار بین متغیر ازخودبیگانگی و طرد اجتماعی زنـان زندانی دارد؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر، از این فرضیه مبنی بر وجود همبسـتگی معنی‌دار بین دو متغیر حمایت می‌کند و این رابطه تایید می‌شود و رابطه مشاهده‌شده از نوع رابطه مستقیم و مثبت است؛ به این معنی که هر چه ازخودبیگانگی زنان زندانی بیشتر باشد، میزان طرد اجتماعی آن‌ها هم افزایش می‌یابد. سایر نتایج نیز نشان می‌دهد که بی‌هنجاری، بی‌قدرتی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

جدول(۱) میانگین و آماره‌های پراکندگی متغیر طرد اجتماعی به تفکیک ابعاد

متغیر	تعداد گویه	جمع میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
طرد عاطفی	۳	۱۰/۷۶	۱/۹۷	۴	۱۵	۱۲
طرد مالی	۳	۱۱/۱۰	۲/۰۲	۳	۱۵	۱۲
طرد تعاملی	۵	۱۴/۶۱	۴/۰۳	۶	۲۳	۱۷
طرد زبانی	۴	۱۳/۱۸	۳/۹۹	۴	۲۰	۱۶
طرد موقعیتی	۴	۱۳/۰۸	۳/۸۶	۴	۲۰	۱۶
طرد اجتماعی	۲۰	۶۱/۷۲	۱۳/۸۸	۲۹	۸۲	۵۳

جدول(۲) همبستگی ابعاد طرد اجتماعی با تحصیلات

متغیر	ضریب اسپیرمن	سطح معنی‌داری
تحصیلات و طرد اجتماعی	۰/۱۸۸	۰/۰۴

جدول(۳) آنالیز واریانس یک‌طرفه بین نوع جرم و طرد اجتماعی زنان زندانی

جرم	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	df	f	Sig
مواد مخدر	۶۸	۴۹/۱۳	۱۰/۵۸	۱۱۷	۲/۴۶۲	۰/۰۲۸
سرقت	۱۲	۴۷/۵۲	۷/۹۷			
قتل	۱۲	۵۰/۲۵	۱۰/۴۸			
روابط نامشروع	۸	۴۷/۲۵	۹/۳۱			
جرایم سیاسی	۲	۲۳/۵۰	۴/۹۵			
مالی	۶	۴۴/۶۷	۶/۸۳			
درگیری	۱	۵۳/۰۰	-			
کل	۱۱۸	۴۸/۲۰	۱۰/۲۵			

جدول(٤) همبستگی طرد اجتماعی با ازخودبیگانگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته					
	عاطفی	مالی	تعاملی	زبانی	موقعیتی	طرد
بی‌قدرتی	-۰/۰۸۹	۰/۲۰۴*	-۰/۰۸۰	۰/۳۲۸**	۰/۴۸۰**	۰/۲۸۶**
بی‌هنجاری	۰/۰۵۰	۰/۲۳۴*	-۰/۱۰۴	۰/۳۹۶**	۰/۳۰۵**	۰/۲۹۲**
بی‌معنایی	-۰/۰۰۶	۰/۱۷۷	-۰/۱۳۱	۰/۲۴۵**	۰/۲۵۹**	۰/۱۸۷*
احساس انزوا	۰/۰۸۵	۰/۱۷۲	۰/۰۹۳	۰/۱۵۸	۰/۳۰۸**	۰/۲۷۱**
تنفر از خود	-۰/۱۶۵	۰/۰۶۵	-۰/۳۰۱**	۰/۳۰۵**	۰/۳۹۵**	۰/۱۱۲
ازخودبیگانگی فرهنگی	۰/۰۱۱	۰/۰۷۲	۰/۰۵۲	۰/۱۰۲	۰/۱۶۱	۰/۱۳۶
کل ازخودبیگانگی	-۰/۰۴۲	۰/۲۱۳*	-۰/۱۳۹	۰/۳۶۸**	۰/۴۵۰**	۰/۲۹۸**
داغ انگ	۰/۵۰۷**	۰/۷۸۹**	-۰/۵۹۰**	۰/۵۷۸**	۰/۵۴۸**	۰/۵۱۳**
تبعیض جنسیتی	۰/۲۱۳*	۰/۱۶۵	۰/۲۲۰*	-۰/۱۶۲	۰/۲۰۸*	۰/۱۸۵*

جدول(۵) رگرسیون چندگانه سنجش اثر متغیرهای مستقل بر طرد اجتماعی زنان زندانی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده β	آزمون t	سطح معنی‌داری	آماره هم‌خطی	
	B	خطای معیار				تولرانس	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۶۳/۶۸۵	۳/۳۵۳	-	۱۸/۹۹۵۰	۰/۰۰۰	-	-
داغ انگ	-۰/۶۶۲	۰/۱۴۶	۰/۴۵۸	۴/۵۳۲	۰/۰۰۰	/۶۲۵	۱/۵۹۹
ازخودبیگانگی	۰/۰۹۲	۰/۰۶۵	۰/۱۴۳	۱/۴۱۳	۰/۱۶۰	/۶۲۳	۱/۱۰۹
تبعیض	/۱۳۲	/۱۷۵	۰/۰۶۹	/۷۵۹	/۴۵۰	/۷۷۹	۱/۲۸۳

۰/۲۵۸ = ضریب تعیین تعدیل‌شده　　۰/۲۸ = ضریب تعیین

۰/۵۲۷= ضریب همبستگی چندگانه　　f =۱۴/۴۵۵　　sig =۰/۰۰۰

و احساس انزوای بیشترین، و تنفر از خود، کمترین نقش را در افزایش طرد تعاملی دارد. با توجه به نتایج تحقیق، به‌نظر می‌رسد که با تخطی زنان از مولفه‌های فرهنگی، اگرچه عواطف و احساسات اطرافیان جریحه‌دار شده و رنجیده‌خاطر می‌شوند، ولی بعد عاطفی و تعاملات بین فردی زنان و اطرافیان همچنان ادامه می‌یابد، ولی ازخودبیگانگی با کاهش حمایت مالی، موقعیتی و زبانی از زنان زندانی، به دلایل تنبیه، سرزنش، تحقیر عمل و... تاثیرگذار است. چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌گردد، سطح معنی‌داری آزمون پیرسون sig=۰/۰۰۰ حکایت از وجود همبستگی معنی‌دار بین متغیر داغ انگ و طرد اجتماعی زنان زندانی دارد. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر از وجود همبستگی معنی‌دار بین برچسب منفی و طرد اجتماعی حمایت می‌کند و این رابطه تایید می‌شود که این رابطه به جز در بعد تعاملی، مستقیم و مثبت است و همین‌طور سطح معنی‌داری آزمون پیرسون سه درصد نشان دهنده همبستگی معنی‌دار بین متغیر تبعیض جنسیتی و طرد اجتماعی زنان زندانی و وجود همبستگی معنی‌دار بین این دو متغیر است. این رابطه مستقیم و مثبت است؛ یعنی با افزایش تبعیض جنسیتی، طرد اجتماعی زنان زندانی افزایش می‌یابد.

در نهایت، در یک جمع‌بندی از آزمون‌های مطرح‌شده، رگرسیون چندگانه تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، بررسی شد که نتایج آن به شرح جدول شماره پنج است. طبق داده‌های جدول، ضریب همبستگی چندگانه آن با طرد زنان برابر R=۰/۵۲۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با R^2=۰/۲۵۸ به‌دست آمد. این ضریب موید آن است که با استفاده از پراکنش ترتیب خطی متغیرهای مستقل رگرسیونی، می‌توان بیست و هشت درصد از پراکنش طرد زنان را توضیح داد. مدل رگرسیونی تبیین‌شده نیز، طبق آزمون تحلیل پراکنش انجام‌شده، خطی و معنی‌دار است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر طرد زنان برابر چهارده و چهار صد و پنجاه و پنج هزام با سطح معنی‌داری P=۰/۰۰۰ است. همان‌طورکه مشاهده می‌کنید، از مجموع متغیرهای مستقل وارد شده به معادله رگرسیون، متغیر مستقل داغ انگ، بر متغیر وابسته تاثیر معنی‌دار و مثبتی دارد. تاثیر متغیرهای ازخودبیگانگی و تبعیض معنی‌دار نیست. آماره تورم واریانس، مستقل بودن متغیرها را تایید می‌کند. مابقی تغییرات متغیر وابسته، احتمالا به‌دلیل به‌حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تاثیرگذار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

طرد اجتماعی از تعاملات بین‌فردی، ازهم‌گسیختگی پیوندهای اجتماعی میان زنان و اطرافیان و محرومیت از منابع مادی، عاطفی و... نهفته در تعاملات غیررسمی است و بیانگر روش‌هایی است که طی آن‌ها افراد از درگیری از تعاملات محروم می‌شوند و آنان را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثر جمعیت است، باز می‌دارند. این عوامل می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و زنان زندانی را به‌دلیل پیشینه خاصی که دارند، در دوران بعدی زندگی از مشارکت کامل در زندگی رایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محروم کنند و به حاشیه برانند. لذا، پژوهش حاضر به بررسی تاثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با طرد زنان زندانی پرداخته است.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

یافته‌ها نشـان داد که طرد اجتماعی در انواع جرم زنان متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که زنان زندانی که جرمشـان ضرب‌وجرح و قتل بوده اسـت بیشـترین میانگین طرد را به خود اختصـاص داده‌اند، و کمترین میزان طرد در زندانیان سیاسـی زن مشاهده شد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که، میانگین طـرد اجتماعی زنان زندانی در تمامی ابعاد بیشـتر از حد متوسـط است و در بین ابعاد طرد اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به بعـد طرد تعاملی و زبانی و کمتریـن میانگین مربوط به بعد طرد مالی و عاطفی اسـت. نتایج تحقیق حاضر، به‌نوعی همسو با تحقیقات صادقی و میرحسینی،[۱۴] صدیق‌سروسـتانی و نصراصفهانی،[۲۲] قاضی‌نژاد و سـاوالان‌پور،[۱۲] وروایی و وروایی[۲۳] و داج و پوگربین[۸] است. طبق نتایج این تحقیقات، زنـان زندانی محکوم، به‌عنوان یک مطرود با آن‌ها برخورد می‌شود، و با انواع طردها مواجه می‌شوند.

دیگر نتیجه تحقیق حاضر نشـان می‌دهد که با افزایش تحصیلات زنان زندانی، طرد اجتماعی بیشـتری برای زنان زندانی رقم می‌خورد و زنان بیشـتر از دایره تعاملات عزیزان، خویشـاوندان و نزدیکان خود حذف می‌شوند. به‌نظر می‌رسد، مهمترین تاثیر در نحوه برخورد اقوام و آشنایان و... با زنان زندانی در ابتدا مربوط به سطح سواد زندانیان است. درواقع، با افزایش تحصیلات، طرد بین‌فردی زنان زندانی نیز بیشتر می‌شود. این امر بدان علت اسـت که از زنان با تحصیلات بالاتر، انتظارات و سطح توقعات بیشتری، مبتنی بر رشـد شخصیت و منش والای انسانی وجود دارد؛ اما وقتی زنان تحصیل‌کرده دچار رفتار انحرافی می‌شوند، توقعات و انتظـارات این افـراد از این‌که افزایش تحصیلات که تـوام با افزایش تهذیب و معنویت است، زیر سوال می‌رود و درنتیجه، فشارهای منفی از جانب جامعه بیشـتر می‌شود و فرد بیشتر مورد طرد قرار می‌گیرد. نتیجه حاضر موید تحقیق اسپارک است.[۲۴]

نتایج تحقیق حاضر در بررسـی رابطه ازخودبیگانگی و طرد اجتماعی زنان زندانی نشان داد که هرچه ازخودبیگانگی زنان زندانی بیشتر باشد، طرد اجتماعی آن‌ها هم بیشتر می‌شود. این فرضیه به‌نوعی نظریه دورکیم را تداعـی می‌کند.[۱۷] به باور او، در شـرایطی که فرد ضوابطی جهت رفتار خود نداشـته باشد، دچار حالت نابسامانی می‌شود و این نابسامانی در رفتار و حالات او متجلی و منعکس می‌شـود، و احتمال این‌که وی در چنین شرایطی دست به رفتاری بزند که ازنظر اجتماعی هنجارشکنی و انحراف شـناخته شود زیاد است. در حد نهایی این رفتار ممکن است به‌صـورت ازخودبیگانگی بروز کند. احسـاس ازخودبیگانگی در فرد سبب می‌شود که وی به احساس انفصال و جدایی از موضوعات پیرامونی میـل کند و خود را از هر آنچه قبلا پیوند داشـت، جدا و منفک ببیند. بر این اسـاس می‌توان گفت زمانی که فاصله بیـن رفتار زنان زندانی از رفتارهای اسـتاندارد زن سالم افزایش می‌یابد. نگاه فرهنگی ضدهنجار، فضای زندگی زنان زندانی را در بر می‌گیرد و دیگر، انحراف او در بستر فرهنگی و گفتمانی جامعه برتابیده نمی‌شـود و به فرد حاشـیه‌ای مبدل می‌شود. خانواده و اطرافیـان از زاویه فرد عادی به او نمی‌نگرند. لذا فاصله از قواعـد اجتماعی برای او فاصله تعاملی، حمایتی و منابع را رقم می‌زند.

فرضیه دیگر، مبنی بر رابطه داغ انگ و طرد اجتماعی زنان زندانی تایید شد. بدین‌صورت که هرچه انگزنی نسبت به زنان زندانی بیشتر باشـد، طرد اجتماعی آن‌ها هم بیشتر می‌شود و بالعکـس. این نتیجه، نظریـه انگ را تایید می‌کنـد.[۱۶] طبـق این نظریه، زنـان زندانی هـم به‌عنوان گروهـی از انگ‌خـوردگان، با کلیشـه‌ها و تفکرات قالبـی منفی مثل مجرم بـودن، غیرقابل‌اعتمـاد بـودن، متقلب بودن شناخته می‌شـوند. به‌نظر می‌رسد، زمانی که زنان زندانی از زنانگی مرسوم فاصله می‌گیرند و جرمـی را مرتکب می‌شـوند کـه منطبق با معیارهای ایده‌ال و اسـتاندارد جامعه نیست، بـه جایگاهی بـی‌ارزش و غیرطبیعـی رانده می‌شـوند. داغ انگ آنان را مبتلابه می‌کند و آنان را در هاله‌ای از فشـار اجتماعی موذیانه حبس می‌کند. خانواده، خویشـان و اطرافیان آنـان نیـز از داغ انگ بی‌تاثیر نیسـتند و این ننگ به‌شدت به اطرافیان نزدیک آنان تسری می‌یابد. نگاه‌های سـنگین، سرزنش، تحقیر، احسـاس بی‌آبرویی، بی‌حیثیتـی و بالاخص سرافکندگی را برای آنان فراهم می‌کند. فشار جرم و فشـار انگ و برچسب به‌نوعی تمامی امکانات و پتانسیل‌های ارتباطی زنان را از آنان ستانده و آنان را از امکانات ماهوی تعاملات محروم می‌کند.

فرضیه همبسـتگی بین تبعیض جنسـیتی و طـرد اجتماعی در تحقیق حاضـر مورد تایید قرارگرفـت. در ارتباط با این فـرض می‌توان گفت هرچه تبعیض جنسـیتی بالاتر باشـد، طرد اجتماعی زنان زندانی هم بیشـتر می‌شود و بالعکس. این فرضیه براسـاس نظریه گیدنز و آمارتیاسـن قابل تفسیر اسـت. ازنظر آنان، تفاوت‌های جنسیتی شالوده نابرابری اجتماعی

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

مثل مجازات شدیدتر و طرد اجتماعی بیشتر، برای زنان مجرم نسبت به مردان مجرم است. بر این اساس هرچه تبعیض و نابرابری جنسیتی در جامعه نسبت به مجرمین و زندانیان زن، بیشتر باشد طرد اجتماعی زنان زندانی هم بیشتر می‌شود. این نتیجه همسو با پژوهش آزاده و تافته است.[۲۵] تبعیض از آن‌جایی به طرد زنان منجر می‌شود که جامعه تحمل خطا و انحرافات زنان را بنا به افکار و کلیشه‌های جنسیتی ندارد. به‌محض وقوع جرم از سوی زنان، انحراف آنان در هاله تبعیضات، مورد تعبیر و تفسیر جنسی قرار می‌گیرد؛ جرم آنان در مقایسه با مردان سنگینتر تلقی می‌شود و ساخت معنایی، ذهنی و انسانی متفاوتی زنان مجرم را احاطه می‌کند. همین معانی منفی و جنبه‌های تبعیضی و تعصبی سبب می‌شود خانواده‌ها و اطرافیان در مواجه با زنان واکنش‌های منفی و تندتری اتخاذ کنند.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که در نمونه زنان زندانی، پیش‌بینی طرد اجتماعی با متغیر مستقل داغ انگ از نظر آماری معنادار است. متغیر مستقل داغ انگ قادر است چهل و پنج و هشت دهم درصد متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند. متغیر تبعیض جنسیتی و ازخودبیگانگی معنادار نشد. در توجیه نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که داغ انگ اجتماعی یکی از عناصر عمده یک سیستم ارتباط اجتماعی برای متنبه کردن افراد خاطی است که در شرایط اجتماعی برساخت می‌شود و تداوم می‌یابد و در مورد زنان زندانی در بدترین حالت اعمال می‌شود.

محدودیت‌ها: از محدودیت‌های پژوهش انجام‌شده می‌توان دسترسی به نمونه مورد مطالعه، کامل کردن گروه نمونه و پاسخدهی کامل به سوالات پرسشنامه، محدودیت مکان، کمی و مقطعی بودن تحقیق باید اشاره کرد.

پیشنهادها: پیشنهاد می‌شود تعدیل ارزیابی‌ها و پیش‌داوری‌های نامناسب و تقلیل نابرابری‌ها در اولویت برنامه‌های فرهنگی قرارگیرد. نگاه‌های غیرواقع‌بینانه و غیرمنصفانه به زنان زندانی در زندان، و بعد از زندان، مانع از برگشت آنان به دامن خانواده و جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، می‌شود. رسانه‌های جمعی و متولیان فرهنگی جامعه با برنامه‌های سازنده در این راستا می‌تواند با تغییرات اساسی در رویکرد و کلیشه‌های عامه مردم نسبت به زندانیان، منشا فعالیت و حضور مناسبتر آنان در جامعه باشد. تلاش برای جذب مجدد زنان زندانی در نظام فرهنگی-اجتماعی جامعه با شناخت اولویت‌های ارزشی، باورها و تقویت هنجارها و اخلاقیات آنان جهت رفع ازخودبیگانگی ازجمله اولویت‌های اساسی دیگری است که فعالیت مددکاران اجتماعی و مشاورین و متولیان فرهنگی در این حوزه می‌تواند بسیار موثر باشد.

افزایش آگاهی خانواده‌های زنان زندانی و آموزش آنان برای رفع کدورات خانوادگی و عادی‌سازی روابط خانوادگی می‌تواند در تقویت احساس ارزشمندی و عزت‌نفس زنان زندانی موثر باشد. این امر می‌تواند از سوی سازمان زندان‌ها با انواع مداخله، بستر خانواده را برای پذیرش زندانیان فراهم کند. آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها می‌تواند از سوی سازمان‌های مختلف و متولی ازجمله رسانه‌های جمعی و سازمان زندان‌ها انجام پذیرد. مددکاران اجتماعی و مشاورین در این سازمان‌ها، می‌توانند از نقش برجسته‌ای در آموزش خانواده افراد زندانی برخوردار باشند. همچنین از پیشنهادات پژوهشی، می‌توان به اجرای این پژوهش در محیط‌های دیگر، با کاربرد هم‌زمان روش کیفی و کمی، با مقایسه دو گروه مردان و زنان اشاره کرد.

سپاسگزاری: این مطالعه با همکاری کامل مسوولان زندان‌های شهر یزد و شهر شیراز به اتمام رسیده است؛ بدین‌وسیله از تلاش و حمایت مسوولان محترم از تحقیق حاضر در زندان مرکزی یزد و زندان مرکزی شیراز تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع: این پژوهش بدون هیچ‌گونه حمایت مالی از سوی سازمان‌ها و موسسات صورت گرفته است. تضاد منافعی نیز بین نویسندگان وجود نداشته است.

منابع

References:

1. Rashidi A, Barati M. Studying the conditions of women prisoners and their rehabilitation methods: A case study of Arak prisoners. Women Studies. 2017; 7 (17): P. 67-93 [Persian].
2. Sirajzadeh S. The evolution of women's crimes in the last two decades. Societal Security Studies Scien-

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]

tific Quarterly. 2007; 3 (8-9): P. 35-56 [Persian].
3.Varastehfar A, Hasheidaran H, Rafiee N. A survey on reasons social crimes caused in women and girls who were visiting the social emergency centers in Shahr-Kord. Social Research Quarterly. 2011; 4 (10): P. 35-62 [Persian].
4. Rastgarynya J. Study of women's crimes. Correction and Education Monthly. 2005; 4 (43): P. 6-9 [Persian].
5. Salehi F. (Dissertation). A Study of individual and family factors affecting women's crime. Tehran: Allameh Tabatabai University. 2011: 2.
6. Volker B, De Cuyper R, Mollenhorst G, Dirkzwager A, van der Laan P, Nieuwbeerta P. Changes in the social networks of prisoners: A comparison of their networks before and after imprisonment. Social Networks. 2016; 47: P. 47-58. doi.org/10.1016/j.socnet.2016.04.004
7. Van Olphen J, Eliason MJ, Freudenberg N, Barnes M. Nowhere to go: How stigma limits the options of female drug users after release from jail. Science and Business Media LLC. 2009; 4 (1): P. 1-9. doi.org/10.1186/1747-597x-4-10
8. Dodge M, Pogrebin MR. Collateral costs of imprisonment for women: Complications of reintegration. The Prison Journal. 2001; 81 (1): P. 42-54. doi:10.1177/0032885501081001004.
9. Mcquaide S, Ehrenreich JH. Women in prison: Approaches to understanding the lives of a forgotten population. Affilia. 1998; 13 (2): P. 233–46.doi.org/10.1177/088610999801300207
10. Blakemore K. An introduction to social policy making. Tehran: Social Security Organization Research Institute. 2014; P. 435-436 [Persian].
11. Kalantari A, Bashiri H, Gholami S. The sociological evaluation of effective cultural and social factors on social alienation in Givi city. Journal of Iranian Social Development Studies. 2012; 4 (3): P. 54-63 [Persian].
12. Ghazinejad M, Savalanpour A. Investigating the relationship between social exclusion and readiness for addiction. Social Issues in Iran. 2008; 16 (63): P. 180-139 [Persian].
13. Ghaffari G, Omidi R. Conceptual and theoretical rotation from poverty towards social exclusion. Social Development & Welfare Planning, 2010; 2(4): 35-66. [Persian]
14. Sadeghi FS, Mirhosseini Z. Sociological analysis of narratives of women from prison after release. Women in Development & Politics. 2014; 12 (3): P. 345-362.
doi: 10.22059/jwdp.2014.53687 [Persian].
15. Tabataba'ei Ghomi M. (Dissertation). Investigating the gender rejections in workplace and its social and psychological outcomes. Tehran: Al-Zahra University. 2011; 8.
16. Parvin S, Eslamian A. The lived experience of social relations in women living with HIV. Women in Development & Politics. 2014; 12 (2): P. 207-228 [Persian].
17. Mohseni Tabrizi A. Social pathology of youth, A study of value isolation and cultural participation in academies in Iran. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education. 2002; (26): P. 119-82 [Persian].
18. Rostami L, Mohtashami N. Theory of interactionism and its critical analysis. Journal of Legal Studies. 2013; 5 (2): P. 6-106. [Persian]
19. Zahed S, Kheiry Khamene B. Attitude of female head of household who are under the protection of Imam Khomeini's committee in Shiraz concerning temporary marriage. Women Studies, 2012; 2 (4): P. 43-66 [Persian].
20. Hosseini H, Savalanpour A. Theory of interactionism and its critical analysis. Law Enforcement Quarterly. 2013; 5 (3): P. 25-54 [Persian].
21. Pourtaheri M, Pourverdi Nejat M. The examining of sexual inequality among rural women: Case study of guilan province. Journal of Historical Sociology. 2009; 1 (2): P. 115-55 [Persian].
22. Sedigh Sarvestani R, Nasr Esfahani A. Drug abuse, social exclusion, and homelessness in Tehran: A qualitative study. Iranian Journal of Social Problems. 2011; 1 (4): P. 2-18 [Persian].
23. Varvaei T, Varvaei A. The impacts of social exclusion on the repetition of women crimes after release from prison. Social Order Quarterly. 2017; 8 (2): P. 33-64 [Persian].
24. Spark C, Harris A. Vocation: A study of prisoner education for women. Journal of Sociology. 2005; 41 (2): P. 143-61.
25. Azadeh AM, Tafteh M. The sources of social exclusion and happiness in female-headed households. Women in Development & Politics. 2015; 13 (3): P. 335-356 [Persian].
doi: 10.22059/jwdp.2015.5633

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-14]

DOR: 20.1001.1.1735451.1401.10.4.6.6]